

# مدافع بیدار

(درنگی در زندگی و آثار علامه سید مرتضی عسکری)

□ مهدی سلیمانی آشتیانی

## مقدمه

تجلیل از عالمان امین و اندیشمندان پارسا، ارج نهادن به علم و اندیشه و امانت و پارسایی است. و بزرگداشت علامه استاد، آیت الله سید مرتضی عسکری، احترام به یک عمر تلاش پُرثمر و جهاد خستگی ناپذیر در راه اعتلای اندیشه تابناک اسلامی و تجلیل از هفتاد سال قلم زدن در راه زدودن غبار سازمان یافته تحریف از چهره دین، و نکوداشت سالیان دراز دفاع و حراست از مکتب درخشان علوی و فاطمی است.

تقدیر از علامه عسکری، ستایش از مردی است که همه سال‌ها و ماه‌ها و روزهای زندگی خویش را صرف دین و تبیین مکتب اهل بیت علیهم السلام و سنت صحیح پیامبر اکرم (ص) نمود، که خود می‌گفت: از اول، بر پیشانی‌ام نوشتم: «تو وقف اسلام هستی!» و تا امروز، به وقف، عمل کرده‌ام.

استاد علامه از بنیان‌گذاران نهضت بازگشت به قرآن و حدیث در حوزه‌های شیعه بود که با درک ژرف و فهم عمیق از این معارف بلند، در تلاش گسترده و اهتمام جدی برای قیام به تکلیفی که بر دوش عالمان و مصلحان است، دمی آرام ننشست.

می‌گفت: «هر کسی با آگاهی و انصاف و عشق به سراغ سنت و سیره پیامبر و ائمه

عليهم السلام برود، احساس می کند که روح ابوذر و مقداد و بلال و میثم تمار با اوست. آگاهی از رنج‌هایی که پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین علیه السلام کشیدند، خیلی تلخی‌ها و سختی‌ها را آسان می کند».

روح بلندش، با پیامبر (ص) و اهل بیت عليهم السلام همنشین باد!

### تبار نیک

اجداد علامه عسکری، در زمان صفویه، از سیزوار به ساوه آمدند و چند نسل از آنان، به عنوان «شیخ الاسلام» در این شهر، مشغول ارشاد و تبلیغ بوده‌اند.

جد ایشان سید اسماعیل بن سید محمد کوچک حسینی ساوجی (زنده در ۱۳۰۶ق) عالمی جلیل در منطقه ساوه و داماد سید میرزا احمد بن محتشم ساوجی مشهور به شیخ المجتهدین (د ۱۳۰۵ق) بوده است.<sup>۱</sup>

پدر علامه عسکری مرحوم سید محمد، از علمای دین و اهل سلوک و تهجد بود. او سال‌ها در نجف اشرف مقیم و از انفاس معنوی عالم عارف، مرحوم سید مرتضی کشمیری (د ۱۳۳۳ق) بهره‌مند و ملازم آن عارف بزرگ بود. وی در زمان مرجعیت میرزا محمد تقی شیرازی (د ۱۳۳۸ق) راهی سامرا شد و افتخار دامادی آیت‌الله میرزا محمد طهرانی عسکری را پیدا کرد.<sup>۲</sup> میرزا محمد طهرانی (د ۱۳۷۱ق) از شاگردان میرزا علی آقا شیرازی و میرزا محمد تقی شیرازی و صاحب آثاری از جمله مستدرک البحار، مصابیح الأنوار و الصحیفة المهدویة بود.<sup>۳</sup> لذا علامه عسکری از جهت مادر نیز به بیت علم و فضیلت، انتساب دارد.

سید محمد نیز در خدمت میرزا محمد طهرانی در جوار بارگاه آسمانی عسکرین علیهما السلام مقیم شهر سامرا شد، تا آن که در ۲۵ ذی حجه ۱۳۳۳ق، در مسافرتی که برای زیارت به نجف اشرف رفته بود، در گذشت و در وادی السلام و در کنار پدرش مدفون گردید. کتاب صلاة اللیل و آدابها از آثار اوست.<sup>۴</sup>

## تولد و دوران کودکی

سید مرتضی در چنین خانواده‌ای اهل علم و فضیلت، در شهر مقدس سامرا و در ۱۸ جمادی الثانی ۱۳۳۲ق [بهار ۱۲۹۳ش] پا به عرصه حیات گذاشت.

پدر، به جهت علاقه زیادی که به استادش سید مرتضی کشمیری داشت، نام استاد را بر فرزند نهاد. مرتضی در آغاز کودکی، نعمت وجود پدر را از دست داد؛ ولی در مهد تربیت و ارشاد پدر بزرگ دانشمندش رشد یافت و در ده سالگی نیز به فراگیری علوم اسلامی مشغول شد. او از آغاز، علاقه و عشق وافر به مطالعه کتاب داشت و این انگیزه با وجود کتابخانه پربرگ و بارِ مرحوم میرزا محمد طهرانی که در اختیار سید مرتضی بود، به ثمرات نیکویی منتهی شد.

مطالعه کتاب‌های سیره و تاریخ پیامبر اکرم (ص) و فتنه‌های صدر اسلام، سفرنامه‌های اسلامی و غربی و همچنین تاریخ مبارزات اسلامی در ایران و عراق، بیشترین وقت و فرصت را از کودکی و نوجوانی او به خود اختصاص داد. ایشان خود در این باره می‌گوید:

حتی شب‌ها روی پشت‌بام هم کتاب می‌خواندم و گاهی تا کتاب را تمام نمی‌کردم، نمی‌خوابیدم، در حالی که خانواده‌ام خیال می‌کردند من خوابم و بعد از طلوع فجر برای بیدار کردنم می‌آمدند. اینها اولین مطالعات من بود و من تا جوان بودم، هیچ وقت این مطالعه را رها نکردم.<sup>۵</sup>

حوزه علمیه سامرا در این سال‌ها هنوز به برکت وجود شاگردان میرزا محمدحسن شیرازی و میرزا محمد تقی شیرازی، گرمی و نشاط خود را حفظ کرده بود.

علامه عسکری در این حوزه ارجمند، ادبیات عرب مانند: سیوطی، مختصر، مطول، مغنی، حاشیه و شرح جامی و همچنین فقه و اصول، از قبیل شرح لمعه، قوانین و معالم را فراگرفت. با توجه به استعداد و آمادگی موجود در وی، بیشتر کتاب‌ها را دو سه درس با هم می‌گرفت و برخی را نیز خود مطالعه یا مباحثه می‌کرد و فقط برای رفع اشکال به استاد مراجعه می‌نمود.

## هجرت به قم

مرحوم سید محمد شیخ الاسلام ساوجی - پدر علامه - املاکی در ساوه داشت که از درآمد آنها زندگی را می گذراند و بعد از فوت او نیز خانواده اش از همین راه، مخارج خود را تأمین می کردند و از مصرف سهم امام و وجوه شرعی پرهیز داشتند.

در سال ۱۳۵۰ق / حدود ۱۳۱۰ش، که رضاخان برای ارتباطات بین ایران و حوزه عراق، سخت گرفت و اجازه نداد وجوهی از کشور خارج شود، زندگی بر خانواده علامه سخت شد و وی به همین جهت، تصمیم به ترک سامرا گرفت.

سید مرتضی عسکری در آغاز جوانی (۱۸ - ۱۹ سالگی) راهی حوزه علمیه قم شد. در این دوره، آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (د ۱۳۵۵ق) زعامت حوزه را به عهده داشت. وی ابتدا در مدرسه رضویه حُجره داشت و سپس در مدرسه فیضیه در طبقه اول (حجره دوم سمت چپ، از در صحن عتیق) حجره گرفت. هم حجره ایشان آیت الله حاج شیخ علی صافی گلپایگانی و هم بحث هایشان آیت الله حاج آقا مرتضی حائری (د ۱۴۰۶ق) و حاج سید احمد سجادی ساوجی (پسردایی وی) و شیخ علی اکبر زرنندی بوده اند.<sup>۶</sup>

علامه فقید، در حوزه علمیه قم، با جدّیت مشغول فراگیری علوم متداول اسلامی شد و از خرمن دانش مدرّسین و دانشمندان آن استفاده کرد.

اساتید ایشان در قم عبارت اند از:

۱. آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی (د ۱۴۱۱ق)
۲. آیت الله امام سید روح الله موسوی خمینی (د ۱۳۶۸ش)
۳. آیت الله شیخ محمد حسین شریعتمدار ساوجی (عمّه زاده علامه)
۴. آیت الله شیخ مهدی حکمی پایین شهری قمی (د ۱۳۶۰ق)
۵. آیت الله حاج میرزا خلیل کمره ای (د ۱۴۰۵ق)<sup>۷</sup>
۶. آیت الله میرزا محمد علی ادیب طهرانی (د ۱۳۶۹ق)
۷. آیت الله حاج شیخ علی اصغر صالحی کرمانی.<sup>۸</sup>

## شرکت در درس امام خمینی

مرحوم علامه در ایامی که در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل بوده‌اند، در درس عقاید امام خمینی شرکت می‌کردند. خود در این باره می‌گوید:

در درس کلام امام خمینی هم حاضر می‌شدم. ایشان صبح‌های ماه رمضان، در حجره اول صحن کوچک، دست راست (از راهرو صحن بزرگ)، باب *حادی عشر* را درس می‌گفتند. تا قم بودم، این درس عقاید ایشان را شرکت کردم.<sup>۹</sup>

ایشان در کنار شرکت در دروس رسمی و متداول حوزه، اهتمام جدی به تفسیر، حدیث و عقاید داشت و احساس می‌کرد که علمی مثل تفسیر، در حوزه، مورد بی‌مهری واقع شده‌اند. لذا در خدمت آیت‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای با تعدادی از طلبه‌ها در مسجد نو (نزدیک قبرستان شیخان)، مباحث تفسیری را درس می‌گرفتند.

لزوم توجه به مباحث غیر فقهی باعث شد که علامه عسکری به همراهی مرحوم آیت‌الله سید محمود طالقانی (د ۱۳۵۹ش) طرحی برای وارد کردن تفسیر و علوم قرآن، احادیث غیر فقهی و بحث‌های عقاید به دروس حوزه و رفتن به سمت شیوه‌های درست تبلیغ دین، تدوین کردند.

این جریان با همکاری سید علیرضا ریحان یزدی (د ۱۳۶۷ش) آیت‌الله شیخ محمد صدوقی یزدی (شهید ۱۳۵۸ش) و آیت‌الله حاج آقا رضا صدر (د ۱۴۱۵ه) و هفت نفر دیگر از فضلاء آن روز، پیگیری شد. همین جمع در درس تفسیر مرحوم کمره‌ای در مسجد نو شرکت می‌کردند و مباحثه تفسیری نیز در مسجد امام حسن عسکری علیه‌السلام داشتند. این مسائل، مورد موافقت و اقبال حوزه واقع نشد و علامه، دل‌شکسته و ناراضی، قم را ترک کرد.

خود در این باره می‌گوید:

استاد ما مرحوم آقا میرزا خلیل کمره‌ای بود که هر شب به ما درس تفسیر می‌داد. طلبه‌هایی که رد می‌شدند، ما را مسخره می‌کردند که اینها در شب تحصیلی، تفسیر می‌خوانند! ما چند نفر، در کنار درس‌های حوزوی، درس‌هایی را برای خودمان معین کرده بودیم تا بتوانیم مبلغ بشویم؛ اما مرحوم آقا میرزا مهدی بروجردی [د ۱۳۸۹ق] که حوزه را اداره می‌کرد و همه کاره حوزه بود، با این کار، مخالفت کرد و توانست منع کند. استادهای ما گفتند ما نمی‌توانیم درس بدهیم؛ من هم قهر کردم و برگشتم سامرا!<sup>۱۱</sup>

□ علامه عسکری: از اول بر پیشانی ام نوشتم: «تو وقف اسلام هستی!» و تا امروز به وقف عمل کرده‌ام

□ علامه عسکری و همکارانش به خاطر مبارزه با حزب بعث، تحت تعقیب قرار گرفتند

□ علامه در تهران فعالیتهای فرهنگی، دینی و اصلاحی فراوانی داشت و با برخی فعالان نهضت اسلامی نیز همکاری می‌کرد

ایشان معتقد بود حوزه آن روز، تک بُعدی عمل می‌کرد و به علوم مورد نیاز جامعه نمی‌پرداخت و وقتی این سبک را با حوزه‌های عصر شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی و علامه حلی مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم گذشتگان، در بیشتر علوم اسلامی دارای آثار و تألیفات بوده‌اند و بحث می‌کردند و اگر در زمان ما بودند، قطعاً تفسیر و عقاید و تاریخ و حدیث و علوم عقلی و استدلالی را درس می‌گفتند، همان گونه که مثلاً اصول کافی را علمای ما، قرن‌ها درس می‌گفته‌اند و به شاگردانشان اجازه روایت و تدریس می‌داده‌اند.

#### بازگشت به عراق

علامه، در اوایل سال ۱۳۵۴ق، به سامرا مراجعت نمود. در این حوزه، جدّ ایشان آیت‌الله میرزا محمد عسکری طهرانی درس حدیث نیز می‌گفت. ایشان، تحصیلات خود را ادامه داد و از محضر آیت‌الله آقا میرزا حبیب‌الله اشتهاودی معروف به مدرس عسکری (د ۱۳۷۳ق / مدفون به شیخان قم) و همچنین مرحوم میرزا علی و مرحوم شوشتری مرعشی که از اساتید حوزه سامرا بودند، استفاده کرد و در فقه و اصول، بیشتر از همه، از درس میرزا حبیب‌الله اشتهاودی بهره برد.

اشتهاردی از شاگردان آیت‌الله آقا شیخ هادی تهرانی بود که در مباحث اصول فقه، سبک مخصوصی داشتند. قابل ذکر است، میرزا حبیب‌الله، سمت پدری نیز برای علامه عسکری دارد؛ چرا که پس از فوت پدر علامه، مادر ایشان با میرزا حبیب‌الله اشتهاردی ازدواج کرد.

علامه فقیه، کفایه را نزد این استاد فراگرفت و بعد از آن نیز دروس فقه استدلالی را بر مدار *عروة الوثقی* نزد همو ادامه داد. استاد نیز توجه خاصی به شاگردِ حاذق خود داشت و گاهی درس خصوصی برایش برقرار می‌کرد.

در سامرا ایشان با کمک دو دایی خود - مرحوم نجم‌الدین عسکری و مرحوم شیخ ابوالحسن - تلاش کرد مدرسه‌ای علمیه به سبک جدید تأسیس کند که موفق نشد.<sup>۱۲</sup>

علامه، ده سالی را در سامرا ماند تا این که حدود سال ۱۳۶۳ق و در سال‌های اواخر جنگ دوم جهانی راهی بغداد شد. او در این هجرت، باز هم تلاش نمود تا مدرسه‌ای جدید برای فرزندان شیعه (در کاظمین) و در ادامه آن، یک دانشکده یا حوزه نوین ایجاد کند که با مخالفت برخی افراد صاحب نفوذ، جلوی این اقدام گرفته شد.

ایشان باز به سامرا برگشت و مشغول درس و تحقیق شد و یک دوره دیگر در درس خارج استاد گرامی‌اش آیت‌الله میرزا حبیب‌الله مدرس عسکری شرکت کرد.

پس از چند سال، برای بار دوم و به قصد تحقق اهدافش در تأسیس حوزه نوین یا دانشکده‌ای دینی، به ایران هجرت نمود و وارد حوزه علمیه قم شد. این بار، حوزه، تحت زعامت مرحوم آیت‌الله حاج آقا حسین بروجردی (د ۱۳۸۰ق) اداره می‌شد.

استاد علامه که موقعیت فکری و عمومی حوزه قم را بهتر از مرتبه قبل می‌دید، همان طرح پیشین خود را این بار در قالب برنامه‌ای برای ایجاد یک مدرسه علوم دینی با درس‌های حدیث‌شناسی، علوم قرآن، تاریخ اسلام و آموزه‌های تبلیغی در کنار فقه و اصول، تدوین نمود و خدمت آیت‌الله بروجردی ارائه کرد.

این برنامه، مورد موافقت زعمیم وقت حوزه قرار گرفت؛ اما مقدمات کار، با جریان ملی شدن

صنعت نفت و فضای پرتنش آن روزها برخورد کرد و علامه عسکری نیز مجبور شد به عراق بازگردد و این بار نیز طرح وی به عمل درنیامد.

### در بغداد و خط مقدم دفاع از تشیع

استاد فقید، این بار به بغداد رفت و در این شهر به فعالیت پرداخت. بغداد در آن سالها از مراکز مهم فرهنگی و سیاسی در جهان عرب به شمار می‌رفت و مرکز اصلی کادرسازی غربی‌ها در عراق بود. بغداد، پایگاه تشکل‌های قومی، ملی، سوسیالیست، کمونیست، سنی، سلفی و صوفی بود و از سوی، مرکز مهم سیاسی، فرهنگی، دانشگاهی و مطبوعاتی عراق محسوب می‌شد.

جریان تندی از شبهات و فعالیت‌های ضد دینی به طور عموم و ضد شیعی به طور خاص، جامعه مسلمانان و شیعیان و بویژه جوانان و تحصیل‌کردگان عراق را مورد تهدید و تهاجم قرار داده بود. در نجف و کربلا برخی عالمان روشن‌فکر و درد آشنایان آن روز، کارهایی را شروع کرده بودند؛ ولی در بغداد، نه فعالیت خوبی صورت می‌گرفت و نه صدای نجف، چندان به این شهر می‌رسید.

این جریانات باعث شد استاد علامه اقامت در بغداد را انتخاب کند.

ایشان با حمایت مرحوم آیت‌الله سید محسن حکیم (د ۱۳۹۰ق) و به نمایندگی از سوی او، فعالیت دامنه‌دار و مفصلی را در بغداد، آغاز کرد.

ایجاد مؤسسات اسلامی مختلف مانند: مدارس دینی، مدارس جدید برای دختران و پسران از ابتدایی تا دبیرستان، مراکز آموزش فنی - حرفه‌ای، در مانگاه‌ها، صندوق‌های خیریه، کتابخانه‌ها و... از مهم‌ترین فعالیت‌های علامه عسکری در سال‌های اقامت در بغداد بوده است.

آن مرد میدان علم و عمل، در کنار پیگیری همه این کارها، به اقامه جماعت و برگزاری جلسه وعظ و خطابه در مسجدی در محله کراوه شرقی بغداد نیز موفق بود و همچنین همه روزه، درس‌های حدیث و تفسیر و تاریخ و عقاید نیز ارائه می‌کرد که مورد استقبال دانشجویان جوان و استادان و طلاب علاقه‌مند واقع گردید.



جهاد و تلاش برای اعتلای فرهنگ زلال و روشن اسلامی، همه در محیطی سخت و دشوار انجام می‌شد. کودتای عبدالکریم قاسم و سقوط سلطنت هاشمی عراق در ۱۹۵۸م، کودتای عبدالسلام عارف در ۱۹۶۳ و نخست وزیری احمد حسن البکر و در نهایت، کودتای بعثی‌ها در ۱۹۶۸ و حاکمیت مطلق و بی‌رقیب حزب بعث بر عراق، هر روز، باعث تغییرات و درگیری‌های اجتماعی و افزایش فشار بر مذهبی‌ها و علمای دینی می‌شد و کار کردن در چنین فضایی، اخلاص، پایداری و از خودگذشتگی می‌خواست که استاد، آن را داشت.

این فعالیت‌ها تا سال ۱۳۸۹ق / ۱۹۶۸م، ادامه داشت. در این سال، علامه عسکری و همکارانش به خاطر مبارزه با حزب بعث، تحت تعقیب قرار گرفتند. دوست و همکارشان شهید آیت‌الله سید مهدی حکیم، از عراق، خارج شد و علامه نیز به بیروت گریخت و مؤسسات ایشان تعطیل گردید.

استاد فرزانه در این باره می‌گوید:

روزی که من از عراق گریختم، از جانم نمی‌ترسیدم. از این بیم داشتم که دستگیرم کنند و بعد، یک مصاحبه ساختگی ترتیب بدهند و اعلام کنند مرتضی عسکری، جاسوس آمریکا بوده و اعتراف کرده و این طوری حیثیت من و روحانیت شیعه را لکه‌دار کنند.<sup>۱۳</sup>

او در لبنان در کنار امام موسی صدر، شیخ محمد مهدی شمس الدین و سید محمد حسین فضل‌الله، مبارزه علیه رژیم بعث را ادامه داد تا این که دولت عراق، کوشش کرد ایشان را برباید و علامه نیز لبنان را به قصد ایران ترک کرد.

بعد از خروج ایشان از عراق، خانواده ایشان در مرز اردن بازداشت شدند که مدتی درگیر آزادی آنها بود.

### حضور در تهران

استاد، در ایران، تمامی همت خود را بر این گذارد تا تألیفات و آثارش را به اتمام برساند و در عین حال، در خدمات فرهنگی و اجتماعی نیز موفق بود.

□ علامه عسکری: امام، علاوه بر آن تبخّر عمومی فقها، یک محدث موفق هم بود، چون جامعیت کم‌نظیری داشت. من در میان علمای شیعه به جامعیت ایشان کسی را در ذهن ندارم

«مجمع علمی اسلامی»، مؤسسه‌ای بود که وی در سال ۱۳۹۸ق، در تهران، تأسیس نمود تا آثاری را با هدف اصلاح و بازسازی کتاب‌های درسی حوزه و ارتقای سطح آموزش در حوزه‌های علمیه تدوین کند.

برخی کتاب‌ها که در این راستا تألیف یا تصحیح و بازنویسی و منتشر شدند، عبارت‌اند از:  
۱. تعلیم اللغة العربیة، ۲. الامثلة و صرف میر، ۳. کتاب التصریف، ۴. کتاب الهدایة فی النحو،  
۵. کتاب قواعد الاملاء، ۶. کتاب تهذیب البلاغة، ۷. کتاب المنطق و مناهج البحث العلمی،  
۸. تهذیب المغنی، ۹. کتاب منتخب حلیة المتقین، ۱۰. المنهج المقترح للسنوات الاربع الاولى.  
ایشان در تهران، فعالیت‌های فرهنگی، دینی و اصلاحی فراوانی داشت و با برخی فعالان نهضت اسلامی نیز همکاری داشت.

#### امام خمینی در بیان استاد

علامه عسکری که سال‌های سال در احادیث غور کرده بود و صعوبت کار را به خوبی درک می‌کرد، از امام راحل به عنوان کسی که در فهم کلام معصوم علیه‌السلام بسیار موفق بود، چنین یاد می‌کند:

امام، هم به معنای خاص کلمه استاد حدیث و علوم حدیث بود و هم به معنای عامش از مصادیق «فارجعوا فیها الی رواة أحادیثنا». اصولاً فقهای بزرگ شیعه بر حدیث هم تسلط دارند. این‌طور نیست که یک سر بروند سراغ فقه و اصول.

مسیری طولانی طی می‌شود. فقیه شیعه در واقع، چندتا دکتری می‌گیرد تا گواهی اجتهاد به او می‌دهند. به همین خاطر است که من به اسلام‌شناسی استادانی که از پاریس و لندن می‌آیند، اعتماد ندارم و کار آنها را سطحی و التقاطی و ویرانگر می‌دانم. امام، علاوه بر آن تبخّر عمومی فقها، یک محدث موفق هم بود؛ چون جامعیت کم‌نظیری داشت. من در میان علمای شیعه به جامعیت ایشان، کسی را در ذهن ندارم. این‌طور جامعیت مسلماً در فهم از حدیث، تأثیر می‌گذارد. چهل حدیث ایشان را نگاه کنید، یا شرح حدیث جنود عقل و جهل و یا شرح دعای سحر را. اینها آینه مهارت او در فهم حدیث‌اند. امام، در رجال و نقد رجال هم خیلی دقیق است. مثلاً احمد بن محمد سیاری، صاحب کتاب *القرائن* را «در نهایت ضعف» معرفی می‌کند.<sup>۱۴</sup> و کتب روایی حاجی نوری را «غالباً فاقد اعتبار» می‌داند و می‌گوید: *والعجب من معاصریه کیف نهلوا و غفلوا حتّی وقع ما وقع ممّا بکتّ علیه السماوات و کادت تدکک علی الأرض!*<sup>۱۵</sup>

ایشان همچنین در مقام تجلیل از استواری و استقامت امام در راه پرتلاطم پیشبرد نهضت می‌گویند:

آن همه آرامش روحی، آن همه قوّت در مقابله با طاغوت، آن استقامت در برابر مشکلات و مصائب... محصول تهذیب عمیق و جدّیت در کسب علم و معرفت بود. این را من از همان روز اول شروع نهضت امام، درک کردم و لذا هیچ‌گاه، نه در انقلاب و نه در فتنه‌های بعدش و نه در جنگ، در درستی نیت ایشان و سلامت نفس ایشان تردید نکردم.<sup>۱۶</sup>

### مبارزه با طاغوت و حمایت از نهضت امام خمینی

مرد صحنه علم و جهاد، علامه عسکری، در سال‌های حضور در بغداد و در اوج اختناق احزاب چپ (کمونیست و بعث) در عراق، در کنار شهیدان: آیت‌الله سید محمد باقر صدر و آیت‌الله سید مهدی حکیم، «حزب الدعوة الاسلامیه» را تأسیس کردند و ایشان رئیس شورای فقهی و رهبر حزب شد.

تأسیس حزب، از کربلا شروع شد و اول کسی که برای تلاش در راه اهداف بلند حزب - که تشکیل حکومت اسلامی بود - قسم خورد، علامه عسکری بود و بعد از او شهید سید محمد باقر صدر و دیگران. شهید صدر، اساس‌نامه‌ای نوشت و هیئت مؤسس، جمع شده، آن را تصویب کردند و چند شماره روزنامه نیز منتشر گردید.<sup>۱۷</sup>



ایشان بعد از کناره گیری از فعالیت حزبی، «جماعة علماء بغداد» را پایه گذاری نمود و با حمایت آیت الله حکیم، مبارزه مستمر با احزاب چپگرای حاکم را پی ریزی کرد. در مورد مسائل مربوط به قیام ملت رشید ایران به رهبری امام خمینی، علیه استبداد پهلوی نیز استاد، همواره حساس و فعال بود. خود او می نویسد:

... حرکت آزادی بخش ملت ایران بر ضد طاغوت را پیگیری می کردیم. هنگامی که خبر درگیری میان طاغوت و علما در مدرسه فیضیه و شهادت عده زیادی از طلاب به ما رسید، تمام طاقت خود را برای یاری رساندن به آنان به کار گرفتیم و بنده خودم جلسات بزرگی در بغداد [به عنوان مجلس ختم شهدا و] برای تشریح اهداف، ابعاد و آثار انقلاب اسلامی مردم مسلمان ایران برگزار کردم.<sup>۱۸</sup>

علامه عسکری همچنین افزوده است:

به دلیل آن که تنها راه نجات مسلمانان را آگاهی، همیاری، کنار گذاشتن درگیری مذهبی و

گسترش وحدت اسلامی می‌دانستم. در همان زمان به حج رفتم و با خود، شعار وحدت کلمه مسلمانان را حمل می‌کردم. در آن جا، جلساتی با حضور رؤسا و علمای گروه‌های مختلف مسلمانان از سوریه، اردن، فلسطین، عربستان، پاکستان و... برگزار کردم و ضمن تشریح ظلم طاغوت پهلوی، وظیفه حفظ وحدت و همیاری مسلمانان را به آنان گوشزد نمودم... در آن زمان، نشریات گسترده‌ای به چاپ رساندیم و در روز عید قربان در میان حاجیان در مشعر الحرام توزیع کردیم؛ ولی وقتی دولت عربستان از آنها مطلع شد، مسؤول انتشارات را دستگیر کرد و مانع توزیع نشریات بعدی شد. بدین منظور، گروهی از علما با ولی عهد فیصل دیدار کردیم و با تبیین این‌که باید تمام مسلمانان را در راه احیای احکام قرآن یاری کنیم، توانستیم نشریات را آزاد کنیم.<sup>۱۹</sup>

بعد از این سفر علامه عسکری به بیت المقدس سفر کردند و در آنجا نیز سخنرانی مهمی را در جمع مسلمانان ایراد کردند و مسائل مربوط به ایران و نهضت امام خمینی را بیان نمودند. بعد از تبعید امام خمینی به عراق، علامه عسکری به همراه شهید عبدالصاحب دُخَیل و شهید محمد هادی السبیتی به استقبال امام رفت و در کاظمین با ایشان ملاقات و برای هرگونه خدمت و کمکی به ایشان، اعلام آمادگی نمود. بعد از آن نیز با وجود محدودیت‌های سیاسی و حساسیت شدید رژیم عراق به وی، چند بار در نجف اشرف با امام خمینی قدس سره دیدار کرد.

### تأسیس دانشکده اصول دین

فکر ایجاد یک نهاد علمی قوی که بتواند افراد مستعدی را گرد هم آورد و با آموزه‌های قرآن و سنت و در کنار آن، بهره‌گیری از روش‌های جدید و به‌روز علمی، اسلام پژوهانی را تربیت کند که به کار صحنه‌های علمی و عملی روزگار بیایند، از دیرباز در ذهن استاد وجود داشت: از سال‌های حضور در حوزه علمیه قم در جوانی و از حضور مجدد او در این حوزه در عصر آیت‌الله بروجردی و در نهایت، در ایام درخشش ایشان در بغداد.

علامه فقید درباره هدف خود از تأسیس دانشکده می‌گوید:

در مدتی که امام جماعت یکی از محله‌های محترم بغداد بودم، متوجه شدم آقایانی که به

خارج می‌فرستیم، نمی‌توانند تبلیغ کنند. بنا بر این به این فکر افتادم که دانشکده‌ای تأسیس کنم به اسم علوم قرآن و حدیث، و کسانی را برای تحصیل از خارج بیاوریم و پس از اتمام دوره به آنها گواهی بدهیم تا بروند و آنجا تبلیغ کنند. برای این منظور، دانشکده اصول دین را در بغداد تأسیس کردیم و اعلام کردیم که چهل نفر را به خرج دانشکده قبول می‌کنیم. وضع در عراق، بهتر از ایران بود. معروف‌تر بودم و برنامه سیاسی و علمی داشتم. ما پنج نفر در کاظمین بودیم که برای حقوق شیعیان و با پشتیبانی آنها، با دولت، مبارزه می‌کردیم. وقتی دانشکده اصول دین را تأسیس کردیم، گروهی در آن قبول شدند و اما از میان قبول شدگان، دو نفر از بحرین بودند که بعداً به بحرین رفتند. یکی‌شان زندانی شد و نمی‌دانم که وفات کرد یا شهیدش کردند و یکی دیگرشان هنوز هست.<sup>۲۰</sup>

بدین ترتیب در سال ۱۳۸۴ق، این مرکز در بغداد، بنیان‌گذاری شد. بسیاری از کتاب‌های درسی این دانشکده توسط خود علامه عسکری و همفکرانش تألیف می‌شد. برخی آثار قرآنی شهید سید باقر صدر و *المعالم الجدیدة*ی ایشان از آن کتاب‌هاست.

این بنیان علمی، اثرات و ثمرات نیکویی داشت و بسیاری از مردان علم و سیاست در عرصه عراق و بسیاری دیگر از کشورهای عربی منطقه، از جوانان آن روز دانشکده اصول دین هستند. با خروج استاد از عراق، دانشکده نیز به تعطیلی کشیده شد؛ اما ایشان سال‌ها بعد در ایران، همان نیت خیر را پی گرفت. به دنبال تصویب تأسیس مراکز آموزش عالی غیر دولتی - غیر انتفاعی توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی، علامه عسکری به همراه چهار نفر از دوستانشان، درخواستی برای راه‌اندازی «دانشکده اصول دین» ارائه نمودند که در دی ماه سال ۱۳۷۴ با آن موافقت شد. دانشکده در مهر سال ۱۳۷۵ در شهر قم و سال بعد در تهران برای کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشجو پذیرش کرد و در سال ۱۳۷۷ نیز شعبه‌ای از آن در دزفول، شروع به کار نمود.

بعد از تأسیس این دانشکده، مرحوم آیت‌الله گلپایگانی، در نامه‌ای به علامه عسکری نوشتند: من از شما خواهش می‌کنم که اسم من را در دانشکده خودتان بنویسید تا در روز قیامت، جزو خدمتگزاران دانشکده اصول دین، محشور شوم.<sup>۲۱</sup>

این بنیان خیر، امروز پذیرای صدها دانشجوی داخلی و خارجی از کشورهای مختلف

اسلامی است و تاکنون بیش از سیصد نفر در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا از آن، فارغ التحصیل شده‌اند.

برخی دیگر از مؤسسات و مراکزی که به همت عالی استاد، پایه‌گذاری شدند و منشأ خدمات بسیاری گردیدند، عبارت‌اند از: مدرسه امام کاظم علیه‌السلام در شهر کاظمین، یک بیمارستان در بغداد، مؤسسه الرعاية الاسلامیة در محله کراوه شرقی بغداد، جمعیه متمدنی النشر و جماعة علماء بغداد.

### سرانجام

پس از قریب یک قرن عمر بابرکت و هشت دهه تلاش و مجاهدت خالصانه در تحصیل و تحقیق و تبلیغ معارف دین و سال‌ها کوشش مستمر در تبیین و ترویج مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و مجاهدت و دفاع در حمایت از مرام و مذهب علوی و حسینی، تن خسته و کالبد رنجورش توان تحمل آن روح بلند و متعالی را از دست داد و به دنبال یک دوره بیماری، پس از بستری شدن در بیمارستان میلاد تهران، شامگاه یکشنبه ۲۵ شهریور ۱۳۸۶ (چهارم رمضان ۱۴۲۸)، به میهمانی عرش رفت و جاودانه شد.

پیکر پاک او، صبح روز سه‌شنبه ۲۷ شهریور با حضور جمع زیادی از فرهیختگان، دانشوران و روحانیان و همچنین مسئولان کشور، از دانشگاه تهران، تشییع گردید و سپس به قم انتقال داده شد. در قم نیز صبح روز چهارشنبه از مسجد امام حسن عسکری علیه‌السلام و با حضور علما و فضایی حوزه علمیه قم تشییع و پس از آنکه براساس وصیت استاد فقید، نماز بر پیکرشان، توسط آیت‌الله العظمی شبیری زنجانی - دامت معالیه - اقامه شد، در مسجد طباطبایی حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها‌السلام به خاک سپرده شدند.

در پی ارتحال آن دانشمند فرهیخته و خدمتگزار با اخلاص حریم حقیقت، پیام‌های تسلیتی از سوی مقام معظم رهبری و حضرات آیات عظام: مکارم شیرازی، سید محمد حسین فضل‌الله، شیخ حسین مظاهری و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و همچنین: ریاست محترم جمهوری، رئیس مجلس

□ بعد از تبعید امام خمینی به عراق، علامه عسکری به همراه شهید عبدالصاحب دُخَیل و شهید محمد هادی السبیتی به استقبال امام رفت و برای هر گونه خدمت و کمکی به ایشان اعلام آمادگی نمود

شورای اسلامی، جامعه مدرسین مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، دانشگاه مذاهب اسلامی، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و برخی دیگر از شخصیت‌ها و اساتید و مراکز علمی و فرهنگی صادر گردید. در این پیام‌ها، ضمن تجلیل از مقام شامخ آن استاد علامه، فقدان او، موجب خسران جامعه علمی دانسته شده است.

در پیام مقام معظم رهبری آمده است:

این عالم بزرگوار و سختکوش، ده‌ها سال از عمر با برکت خود را در راه پژوهش در کلام و تاریخ و حدیث، صرف کرد و محصول مبارک آن، تألیفات و مقالاتی است که در گستره جهان اسلام، با استقبال و تحسین روبه‌رو شده است و در ترویج مکتب اهل بیت علیهم السلام موفقیت‌های ارزشمندی به دست آورده است. رحمت خدا بر آن دانشمند بلند همت و پرتلاش و خستگی‌ناپذیر!

همچنین آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی در پیام خود، فرموده‌اند:

آن فقید سعید، نزدیک به یک قرن عمر شریف خود را در راه خدمت به اهل بیت علیهم السلام و نشر آثار علمی آنان و تربیت شاگردان و عالمان دینی و تأسیس مؤسسات اسلامی صرف کرد و آثار فراوان و کم‌نظیری از خود به صورت کتاب‌های نفیس به یادگار گذاشت و لحظه‌ای از تلاش و کوشش، حتی در روزهای آخر عمر خود، ننشست. سوز دینی آن فقید سعید و عشق وافر و علاقه شدیدش به خاندان پیغمبر(ص) و دفاع جانانه و شجاعانه او قابل انکار نیست. جزاه الله عن الاسلام وأهل بیت نبیه(ص) خیر الجزا و تغمده الله برحمته و حشره مع أولیائه الطاهرین!



## تألیفات

استاد فقید، از همان دوران جوانی، با شناخت مهم‌ترین نیازها و کمبودهای جامعه دینی، کمر همت بست و مردانه و استوار وارد عرصه تحقیق و تألیف شد. پشت کار ایشان در کارهای علمی حتی در دوران کهولت و بیماری، الگویی است برای جوانان و پیرانِ جا معه ما. یکی از شاگردانشان می‌گوید:

یادم هست در یک عصر روز جمعه‌ای، نزدیک غروب بود و تاریک، به خدمتشان رسیدیم. گفتند: امروز که جمعه است و همه تعطیل هستند، با چند نوع مریضی، دوازده ساعت کار کرده‌ام.<sup>۲۲</sup>

او بر کرانه قرآن و سنت ایستاد و به سوی این دریای مهربان، دست طلب گشود و درّ و گوهر برای هزاران ذهن مشتاق و جستجوگر به ارمغان آورد.

ایشان افزون بر بررسی کتب شیعه، روایات مکتب خلفا را نیز در آثار خود، مورد استناد و کند و کاو قرار داده است و به همین جهت، تألیفاتش مرجع و منبعی قابل اعتماد برای همگان است.

بیشتر آثار علامه، در کشورهای عربی و بخصوص مصر، منتشر شده و مورد استقبال جویندگان حقیقت و اسلام پژوهان قرار گرفته است.

بیان روشن و واضح و نثر روان و سلیس و کمال ادب و خضوع و رعایت حریم دیگران، از خصوصیات قلم اوست.

ایشان اجر مادی از آثارش طلب نکرده است و بارها فرموده که هر کس می‌خواهد، می‌تواند کتاب‌هایم را ترجمه و منتشر کند.

## الف. آثار منتشر شده

فهرست مختصری از کتاب‌های منتشر شده علامه عسکری، با اشاره به مهم‌ترین نظریات ایشان، چنین است:

## ۱. أحادیث عائشة (چهار جلد)

عنوان ترجمه فارسی: نقش عایشه در تاریخ اسلام / مترجمان: محمدصادق نجمی، هاشم هاشم‌زاده هریسی، محمدجواد کرمی، عطا محمد سردارنیا و محمدعلی جاودان.  
بازگویی وقایع دوران پیامبر تا پایان خلافت عثمان، جلد اول این کتاب را دربر می‌گیرد. عایشه در خانه پیامبر و نگاهی گذرا به زندگانی عایشه، راز تعدد همسران رسول خدا نیز، از جمله مباحث بخش اول این کتاب است.

عایشه در دوران امیرالمؤمنین علیه‌السلام عنوان جلد دوم کتاب است که نویسنده در آن، قسمتی از حوادث و پیش‌آمدهای تاریخی را از کتاب‌های معتبر و مدارک اصلی و متقدم، درآورده و در دسترس خواننده قرار داده است.

نقش عایشه در تاریخ اسلام و دوران معاویه عنوان جلد سوم کتاب یاد شده است که در آن، عوامل دوستی عایشه و امویان، نفوذ عایشه در حکومت امویان، و ویژگی‌های شخصیتی عایشه بررسی شده است.

در جلد چهارم کتاب نیز روایاتی که از عایشه نقل شده و روایاتی که به دروغ به او نسبت داده شده‌اند، ذکر شده و در آخر نیز کوشش‌های او در مبارزه با بعضی تحریف‌ها از سنت و نسبت‌های ناروا به رسول خدا آورده شده است.

## ۲. خمسون و مئة صحابی مٌختَلَق (چهار جلد)

عنوان ترجمه فارسی: صد و پنجاه صحابی ساختگی / مترجم: عطا محمد سردارنیا.

چون رسول خدا رحلت فرمود، منافقان و فرصت‌طلبان برای ایجاد اختلاف و نفاق و تفرقه بین صفوف مسلمین، فعالیت خود را دوچندان کردند؛ زیرا دیگر بیم آن نداشتند که به وسیله وحی، پرده از روی ریاکاری‌ها و کارشکنی‌هایشان برداشته شود. کار دستکاری در قوانین اسلام و جعل حدیث را همان منافقان که جزء اصحاب بودند، بنیان نهادند و برخی مغرضان نیز برای سرپوش گذاشتن بر روی اقدامات ناروای این قبیل اصحاب و بعضی حکومتگران ناصالح، رسول خدا را از مقام نبوت و رسالت تا حد یک فرد مجتهد ساده پایین آورده، اصحاب را همسنگ او

قرار دادند تا محملی برای اقدامات آن دو گروه، تراشیده باشند.

مؤلف در مقدمه کتاب، گفته است: برخی در روایت‌های سیره و تاریخ و حدیث، آن قدر نعل وارونه زده‌اند که حساب ندارد، و در آنها چنان نموده‌اند که قاتل را مقتول و ظالم را مظلوم، شب را روز و روز را شب نشان داده‌اند... و وجود آن احادیث دروغ، باعث شده است که اسلام، بد آموخته شود.

این اثر گران قدر که از شاه کارهای علامه عسکری است، در مجامع علمی، جایگاه رفیعی پیدا کرد و پرده از بسیاری واقعیت‌ها برداشت.

استاد در این کتاب، افرادی را معرفی می‌کند که واقعیت و وجود خارجی نداشته‌اند و با جعل و دروغ، به عنوان صحابه پیامبر شناخته شده‌اند و با انتساب احادیثی به آنها فتنه‌ها به پا شده است.

### ۳. عبد الله بن سبا و أساطیر أُخری (دو جلد)

عنوان ترجمه فارسی: عبد الله بن سبا و دیگر افسانه‌های تاریخی / مترجمان: سید احمد فهری، محمدصادق نجمی، هاشم هاشم‌زاده هریمی، عطا محمد سردارنیا.  
ترجمه انگلیسی توسط م. ج. مقدس، با عنوان:

#### Abdullah ibn saba and other myths.

استاد در این کتاب، با دلایل کافی اثبات می‌کند که عبد الله بن سبا فقط موجودی خیالی و پنداری بوده است و حکایت‌هایی که تاریخ‌نویسان به استناد آنها، او را سازنده مذهب تشیع قلمداد کرده‌اند، مشتی دروغ بیش نیست.

مؤلف می‌گوید: این مجموعه را به شیخ راضی آل یاسین، صاحب کتاب *صلح الإمام الحسن* علیه السلام نشان دادم. ایشان در مجلسی که عصرها داشتند و علمای عرب، دور هم جمع می‌شدند، نشسته بود. وقتی این را دید، ایستاد و گفت: «می‌دانی چه کار کرده‌ای؟ عبد الله بن سبا را که ننگی بر پیشانی شیعه بود، پاک کردی». مرحوم جدّ ما، آقا میرزا محمد هم به من گفت: «آقا مرتضی! اگر بتوانی این را اثبات کنی، کار خیلی بزرگی کرده‌ای».

در این کتاب، افسانه عبد الله بن سبا و چگونگی پیدایش آن و سلسله روایان این افسانه،

□ علامه، در ایامی که در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل بودند در درس عقاید امام خمینی شرکت می کردند

□ بعد از اینکه علامه عسکری «دانشکده اصول دین» را تأسیس کرد آیت الله گلپایگانی در نامه‌ای به ایشان نوشتند: من از شما خواهش می کنم که اسم من را در دانشکده خودتان بنویسید تا در روز قیامت، جزو خدمتگزاران دانشکده اصول دین، محشور شوم

مورد بررسی قرار گرفته است.

داستان سقیفه در روایات سیف بن عمر تمیمی، ارتداد در اسلام، اشخاص خیالی و قهرمانان ساخته سیف و علل انتشار گسترده روایات دروغین سیف، از دیگر موضوعات این کتاب است.

۴. معالم المدرستین (سه جلد)

عنوان ترجمه فارسی: ویژگی‌ها و دیدگاه‌های دو مکتب در اسلام / مترجم: عظامحمد

سردارنیا.

ترجمه دیگر: پژوهش و بررسی تحلیلی مبانی اندیشه‌های اسلامی در دیدگاه دو مکتب /

مترجم: دکتر جلیل تجلیل.

ترجمه دیگر: ترجمه معالم المدرستین / مترجم: محمدجواد کرمی.

کتاب حاضر دربرگیرنده بحث‌هایی درباره مدارک و مصادر شریعت اسلامی در دو مکتب

امامت و خلافت است. همچنین دیدگاه‌های دو مکتب درباره صحبت و صحابه، سنت پیامبر (ص)

و قیام امام حسین علیه السلام بر ضد انحراف از سنت پیامبر (ص) و انحرافات دیگری که بر اثر

اجتهاد و عمل به رأی در اسلام پدید آمده بود و نیز توانایی امامان اهل بیت علیهم السلام در

بازگرداندن سنت رسول خدا به جامعه اسلامی پس از قیام امام حسین علیه السلام از جمله مطالبی

است که در این کتاب، مورد بررسی قرار گرفته است.

همچنین در بخشی دیگر، مصطلحات بحث امامت و خلافت، مانند: شورا، بیعت، خلیفه و خلیفه خدا در زمین، امیر المؤمنین، امام، امر و اولی الامر، وصی و وصیت، توضیح داده شده است.

#### ۵. عقائد الإسلام من القرآن الکریم (سه جلد)

عنوان ترجمه فارسی: عقاید اسلام در قرآن / مترجمان: محمدجواد کرمی و عظامحمد

سردارنیا.

مؤلف در مقدمه کتاب، انگیزه خود از نوشتن آن را این گونه بیان می کند: از آن جا که دیدم مکاتب گوناگون بشری با قرآن کریم، مخالفت دارند و قانون گذاران جوامع اسلامی، غالباً اجتماعی، قوانین جامعه را براساس چنین دیدگاه‌هایی در ستیز با احکام قرآنی بنا می نهند و این بنیان بی ریشه، نسل به نسل، مورد اعتماد و استناد و دست‌مایه آیندگان می گردد، ... به تدوین مباحث این کتاب، همت گماشتم.

#### ۶. القرآن الکریم و روایات المدرستین (سه جلد)

این اثر ارجمند در جلد اول به مباحث مربوط به اوضاع فرهنگی عصر نزول قرآن، تاریخ قرآن و مصطلحات اسلامی مرتبط با قرآن می پردازد.

در دو جلد بعد نیز استاد با ذکر روایات شیعه و سنی و به تعبیر خودشان مکتب اهل بیت علیهم السلام و مکتب خلفا، مباحث مربوط به عدم تحریف قرآن، تاریخ و کیفیت جمع قرآن، اختلاف مصاحف، نزول قرآن بر هفت حرف، اختلاف قرائات، نسخ و در نهایت، برخورد خلفا با مفاهیم و تعالیم قرآن را بیان و نظریه ویژه خود را تحت عنوان «وحی بیانی»، در زمینه «مصونیت قرآن از تحریف» و «آهنگ درونی کلمات و آیات» مطرح کرده است.

آخرین بخش کتاب نیز به بررسی دیدگاه‌های مستشرقین درباره قرآن اختصاص دارد.

#### ۷. دور الأئمة فی إحياء السنّة

#### ۸. مقدّمة «مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول» (دو جلد)

این اثر، اگر چه به عنوان مقدمه بر *مرآة العقول* نوشته شده است، ولی حاوی مباحث متنوع

حدیثی - تاریخی است، از جمله: شناخت صحابه، بحث عدالت صحابه، خطاهای برخی صحابه در دوران پیامبر، امام و امامت در مکتب خلفا و در مکتب اهل بیت علیهم السلام و بحثی درباره غدیر. چکیده‌ای از این کتاب، ترجمه شده است.

عنوان ترجمه: در راه وحدت / مترجم: عظامحمد سردارنیا.

۹. مع أبی الفتوح التلیدی فی کتابه: «الأنوار الباهرة»

این کتاب، پاسخ و نقدی به کتاب الأنوار الباهرة بفضائل أهل البيت النبوی والذریة الطاهرة، تألیف ابوالفتوح عبد الله بن عبد القادر تلیدی است که به موضوعاتی چون: مقابله ائمة أهل البيت علیهم السلام للغلاة، رأی التلیدی فی البخاری، رأی التلیدی فی آیه الإنذار و مناقشة آیه التطهیر و أهل البيت علیهم السلام، رأی التلیدی فی عترة الرسول(ص)، رأی التلیدی فی الامام المهدی علیه السلام ... می پردازد.

۱۰. مع الدكتور الوردی فی کتابه: «وعاظ السلاطین» (جلد اول)

این اثر، پاسخی است به کتاب وعاظ السلاطین از دکتر علی حسین الوردی.

۱۱. طبّ الرضا علیه السلام و طبّ الصادق علیه السلام

عنوان ترجمه فارسی: طب و درمان در اسلام / مترجم: زین العابدین کاظمی خلخالی

۱۲. مصطلحات إسلامیة

جمع و تنظیم: سلیم الحسنی

در این کتاب، اصطلاحات کلامی، قرآنی، تاریخی و فقهی با استفاده از کتاب‌های علامه عسکری شرح و توضیح شده است. در برخی از این اصطلاحات و معانی آنها، استاد فقید، مُبدع و مبتکر است. از آنهاست: مدرسه أهل البيت و مدرسة الخلفاء. بخش عمده‌ای از این کتاب را مباحث مطرح شده در جلد اول کتاب قیام الأئمة بإحیاء الدین تشکیل می دهد.

۱۳. علی مائدة الكتاب والسنة (جلد)

السجدة علی التربة، البكاء علی المیت، زیارة قبور الأنبیاء و الأئمة و الصلحاء، التوسّل

بالنبي (ص) و التبرک بآثاره، الصلوات على محمد(ص) و آله، يكون لهذه الأمة اثنا عشر قيماً، عدالة الصحابة، عصمة الأنبياء، البناء على قبور الأنبياء و الأولياء، الشفاعة، البداء، الجبر و التفويض و القضاء و القدر، صلاة أبى بكر، المتعة أو الزواج الموت، حديث الكساء من طرق الفريقين، تعليم الصلاة، المصحف فى روايات الفريقين، صفات الله جل جلاله فى روايات الفريقين، آية التطهير فى مصادر الفريقين.

برخی کتاب‌های این مجموعه، توسط مؤف، به فارسی نیز نگارش یافته و تعدادی دیگر، توسط آقایان: عزیزالله عطاردی، علی اسلامی، عظامحمد سردارنیا و محمدجواد کرمی به فارسی برگردانده شده‌اند (ر.ک: بر گستره کتاب و سنت).

عنوان ترجمه: بر گستره کتاب و سنت (۱۷ جلد).

عناوین این مجموعه عبارت‌اند از: گریه بر میت از سنت‌های رسول خداست، بزرگداشت یاد انبیاء و بندگان صالح خدا، صلوات بر محمد و آل محمد از سنت‌های رسول خداست، عدالت صحابه، آیت تطهیر در کتب دو مکتب، امامان این امت، دوزاده نفرند، مصحف در روایات و اخبار، بداء یا محو و اثبات الهی، ازدواج موقت در اسلام، جبر و تفویض و اختیار و قضاء و قدر، عصمت انبیاء و رسولان، حکم بازسازی قبور انبیاء و اولیاء و عبادت در آنها، توسل به پیامبر خدا و تبرک به آثار ایشان، صفات خداوند جلیل در دو مکتب، شیعیان اهل بیت پیامبر(ص)، تاریخ حدیث پیامبر(ص)، سنت پیامبر در سجده بر تربت.

۱۴. ادیان آسمانی و مسئله تحریف / ترجمه و مقدمه: سید حسن افتخارزاده سبزواری.

۱۵. نقش ائمه علیهم السلام در احیای دین (چهارده جلد) / به کوشش: محمدعلی جاودان.

این مجموعه، سلسله درس‌هایی است که به صورت سخنرانی در طول حدود دو سال در حضور جمعی از علما و فضیلابی تهران در روزهای شنبه و همچنین به صورت عمومی در شب‌های شنبه در مسجد «المهدی علیه السلام» تهران انجام پذیرفته است.

این مباحث، پس از پیاده شدن از نوار، بازنویسی شده و مصادر و منابع آنها استخراج گردیده

□ علامه عسکری درباره امام خمینی می‌گویند: آن همه آرامش روحی، آن همه قوت در برابر طاغوت، آن استقامت در برابر مشکلات و مصائب... محصول تهذیب عمیق و جدیت در کسب علم و معرفت بود

و پس از بازیابی استاد، تدوین و منتشر شده است.

عنوان ترجمه عربی: دور الأئمة عليهم السلام في إحياء الدين / مترجم: حسین البدری.

ترجمه انگلیسی توسط م. علوی با عنوان: The role of Ahlul bait

ترجمه دیگر، توسط مایکل احمدی با عنوان:

The role of holy Imams in revival religion

۱۶. سقیفه (بررسی نحوه شکل‌گیری حکومت پس از رحلت رسول اکرم(ص)) / به کوشش: محمد دشتی.

این کتاب، مجموعه‌ای از سخنرانی‌های استاد در مجالس عزاداری محرم و صفر سال ۱۴۱۹ است که توسط محمد دشتی بازنویسی و مستندسازی شده است.

۱۷. صلاة أبي بكر

عنوان ترجمه: آخرین نماز پیامبر / مترجم: محمدباقر ادیبی لاریجانی.

۱۸. فی طریق أهل البيت عليهم السلام

۱۹. حدیث الکساء من طرق الفریقین

عنوان ترجمه فارسی: حدیث کساء در دو مکتب / مترجم: علی اسلامی.

۲۰. افتراءات و اکاذیب فی کتاب «لله ثم للتاریخ»

این کتاب، پاسخی است به مطالب کتاب لله ثم للتاریخ از سید حسین موسوی.<sup>۳۳</sup>

۲۱. ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت پیامبر(ص)



این کتاب با این نام نیز به چاپ رسیده است: *خلافت و مهدویت در مکتب خلفا*.  
استاد دانشمند، این اثر را در پاسخ به مطالب جزوه منتشر شده ابو سلمان عبد المنعم بلوچ (با نام مستعار: محمدباقر سجودی) تحت عنوان *از علمای شیعه پرسید: چرا نام علی در قرآن نیست؟* نوشته‌اند.

مطالب کتاب پس از مقدمه، قصه سنی شدن یک شیعه که عبد المنعم مطرح کرده است و جواب آن و بحثی در امامت و مهدویت است.

#### ۲۲. *سیرة المعصومین الأربعة عشر و أم المؤمنین خدیجة علیهم السلام*

جزوه مختصری است شامل ذکر نام و اطلاعات مربوط به شناخت ائمه اطهار علیهم السلام و مختصری از تاریخ زندگی آنها و یک روایت از هر یک از ایشان و همچنین مختصری در مورد حضرت خدیجه.

#### ۲۳. *الأسطورة السبئية كما تخيلها و اختلفها سيف بن عمر (دو جلد)*

استاد در *صد و پنجاه صحابی ساختگی و همچنین در عبد الله بن سبا و دیگر افسانه‌های تاریخی* بخش زیادی از روایات سیف بن عمر را که موجب گمراهی و تحریف زیادی در تاریخ اسلام گردیده‌اند، آورده و مورد نقد و بررسی قرار داده است و در کتاب حاضر به بقیه روایات مجهول این راوی می‌پردازد و آنچه را ابن اثیر، ابن کثیر و ابن خلدون از سیف نقل کرده‌اند، تحلیل می‌کند.

#### ب. آثار منتشر نشده

برخی آثار دست نویس و چاپ نشده استاد علامه نیز چنین است:

#### ۲۴. *الأداب الاسلامیه*

#### ۲۵. *السیاسة فی الاسلام أو الأحكام السلطانية*

#### ۲۶. *الشریعة الخاتمة*

#### ۲۷. *ما افتتری علی مدرسة أهل البيت علیهم السلام منذ القرن الثانی الهجری حتی القرن الثانی عشر*



## منابع و مأخذ

۱. آئینه دانشوران، سید علیرضا ریحان یزدی، تحقیق: ناصر باقری بیدهندی، قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، اول، ۱۳۷۲.
۲. الاجازة الكبيرة، سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، اعداد و تنظیم: محمد سمای حائری، اشراف: سید محمود مرعشی، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، اول، ۱۴۱۴ق.
۳. الذریعة إلى تصانیف الشیعة، آقا بزرگ تهرانی، تهران: کتابخانه اسلامی، ۱۳۸۷ق.
۴. حزب الدعوة الإسلامية: فصول من تجربة الحركة الإسلامية في العراق خلال ۴۰ عاماً، صلاح الخرسان، دمشق: المؤسسة العربية للدراسات والبحوث الاستراتيجية، ۱۹۹۹م.
۵. گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، تهران: کتابفروشی اسلامی، [بی‌تا].
۶. معالم المدرستین، سید مرتضی عسکری، ترجمه: محمدجواد کرمی، قم: دانشکده اصول دین، اول، ۱۳۷۹.
۷. مؤتمر تکریم العلامة السید مرتضی العسکری، مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۴۲۴ق.
۸. نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، آقا بزرگ تهرانی: مشهد: دار المرتضی للنشر، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۹. «گفتگو با علامه سید مرتضی عسکری»، پژوهش و حوزه، شماره ۹ (سال سوم، شماره اول)، بهار ۱۳۸۱.
۱۰. «گفتگو با آیت‌الله سید مرتضی عسکری»، به کوشش محمدهادی خالقی، علوم حدیث، شماره ۲۰ (سال ششم، شماره دوم)، تابستان ۱۳۸۰.
۱۱. «آیت‌الله علامه سید مرتضی عسکری»، ترجمه و نگارش: مهدی دشتی، کتاب ماه دین، شماره ۶ و ۷، سال اول، اردیبهشت ۱۳۷۷.
۱۲. «اسلام، تحریف‌ها و واقعیت‌ها: گفتگو با علامه سید مرتضی عسکری»، کیهان فرهنگی، شماره ۱۸۳، سال هجدهم، دی‌ماه ۱۳۸۰.



## پی‌نوشتها:

۱. نقباء البشر، ج ۱، ص ۱۶۴ - ۱۶۵.
۲. نقباء البشر، شیخ آقا بزرگ تهرانی، ج ۱، ص ۷۸ - ۷۹؛ گنجینه دانشمندان، ج ۵، ص ۲۹۴؛ «گفتگو با علامه سید مرتضی عسکری»، پژوهش و حوزه، ش ۹، ص ۵۴.
۳. الاجازة الكبيرة، ص ۱۳۵ - ۱۳۶؛ الذریعة، ج ۱، ص ۱۲۹ و ج ۱۵، ص ۲۴ و ج ۲۱، ص ۸۶.
۴. نقباء البشر، ج ۱، ص ۷۸ - ۷۹؛ الذریعة، ج ۱، ص ۲۲.
۵. «گفتگو با آیت‌الله سید مرتضی عسکری» محمدهادی خالقی، علوم حدیث، ش ۲۰، ص ۸۰.

۶. ر. ک: پژوهش و حوزه، ش ۹، ص ۵۵؛ آیینہ دانشوران، ص ۳۴۷ و ۳۸۱.
۷. علوم حدیث، ش ۲۰، ص ۸۱.
۸. ر. ک: آیینہ دانشوران، ص ۳۸۱.
۹. «گفتگو با آیت‌الله سید مرتضی عسکری»، علوم حدیث، ش ۲۰، ص ۸۱.
۱۰. مؤتمر تکریم العلامة السید مرتضی العسکری، ص ۸۶.
۱۱. پژوهش و حوزه، ش ۹، ص ۵۶.
۱۲. مؤتمر لتکریم العلامة السید مرتضی العسکری، ص ۸۷.
۱۳. علوم حدیث، ش ۲۰، ص ۸۸.
۱۴. البیع، ج ۳، ص ۱۸.
۱۵. انوار الهدایة، ج ۱، ص ۲۴۴ و ۲۴۵.
۱۶. گفتگو با آیت‌الله سید مرتضی عسکری، علوم حدیث، ش ۲۰، ص ۱۰۲ - ۱۰۳.
۱۷. ر. ک: «حوار مع العلامة العسکری»، صلاح الخراسان، حزب الدعوة الاسلامیة: فصول من تجریة الحركة الاسلامیة...، ص ۸۹.
۱۸. معالم المدرستین، ترجمه محمّدجواد کرمی، ج ۱، مقدمه. نیز، ر. ک: علوم حدیث، ش ۲۰، ص ۱۰۱ - ۱۰۵.
۱۹. همان.
۲۰. پژوهش و حوزه، ش ۹، ص ۶۲.
۲۱. روزنامه حزب اللّٰه، ش ۲۵۰، ص ۲.
۲۲. مؤتمر تکریم العلامة السید مرتضی العسکری، ص ۵۱.
۲۳. این نام مستعار «عثمان خمیس» از ناصبی‌های کویت است که قدم‌هایی در راه تفرقه بین مسلمین به مدد کذب و افترا برداشته است.
۲۴. کتاب ماه دین، سال اول، ش ۶ و ۷، ص ۱۴.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی